



۳۵هزار نزاع، تازه‌ترین روایت آماری از وضعیت جرائم خشن در خراسان رضوی است که بیش از نیمی از این آمار، مربوط به مشهد می‌شود. این جرائم بیشتر خشونت خیابانی بوده‌اند و در مواردی خشونت خانگی، خشونت‌ی که آتش آن در لحظه‌ای شعله‌ور شده و اتفاقی‌که نباید، رخ داده است، لحظاتی‌که دو طرف با طرفین اگر قدری فتیله خشونت را پایین می‌آوردند، از آمار هزاران نقص عضو، آسیب‌دیدگی‌ها

و حتی جان ستاندن‌ها، کم می‌شد. اما آنچه در تازه‌ترین گفت‌وگوی خبرنگار ما با مدیرکل پزشکی قانونی خراسان رضوی مطرح شد، هشداردهنده بود، نه‌خوشحال‌کننده، اینکه در هفت‌ماه سال جاری، بیش از ۳۵هزار نفر مصدوم و آسیب‌دیده ناشی از نزاع‌ها بوده‌اند و شیب آماری آن بامدت مشابه‌در سال ۱۴۰۰ تغییری نداشته است. از این منظر، این آمار راه‌شدار دهنده می‌خوانیم که خراسان رضوی در فهرست آماری نزاع‌ها در سال ۱۴۰۰ در رتبه‌دوم کشوری قرار داشت و تغییر نکردن شیب صعودی آن، نشان می‌دهد که همچنان در فهرست «عصانی‌ها، هستیم.

به‌استناد آمار رسمی پزشکی قانونی کشور، در دوازده‌ماهه سال ۱۴۰۰ تهرانی‌ها با ثبت حدود ۱۰۰هزار نزاع، خراسان رضوی بیش از ۵۰هزار و اصفهان بیش از ۴۰هزار، سه استان اول در زمینه نزاع بوده‌اند. حال با حرکت در همان شیب صعودی سال گذشته، در سال جاری نیز در همان رتبه‌دوم نزاع‌ها پابرجا ایستاده‌ایم!

● به‌هم‌رحم کنیم گذشته از این میبحث که موضوع کنترل خشم و خشونت در جامعه و آموزش آن بر عهده متولیان و نهادهای اجتماعی و فرهنگی است، در جایی‌که متولیان کم‌کاری می‌کنند یا نمی‌توانند در زمینه این موضوع مهم اجتماعی اثربخش باشند، باید خودمان به‌هم‌رحم کنیم. چرا باید آستانه تحملمان آن قدر پایین باشد که برای مسائل ریز که ارزش بحث کردن ندارد یا با یک گفت‌وگوی ساده حل می‌شود، به نزاع و درگیری برسیم؟ نمونه‌هایی از این اتفاق‌ها که حتی منجر به مرگ شده‌است، کم نیست. همین چند هفته قبل، بگومگوی دو مرد در یک میوه‌فروشی در مشهد، منجر به مرگ یک نفرشان شد، یا کشمکش بر سر جای پارک خودرو، هفته قبل، مرگ دیگری را بر اثر خشونت رقم زد. در نمونه‌هایی نیز که شاید به نزاع‌های خونی‌ن و مصدومیت‌های شدید نرسد، همان بگومگوهای بدون مصدومیت تبعات خود را دارد. خشونت‌هایی که طرفین راه‌راهی پزشکی قانونی و دادگاه و شکایت نمی‌کند، باز هم آزاردهنده و رنج‌آورند، از خشونت کلامی در صف بنزین، ناوا، مراجعات به ادارات گرفته تا مسیر رانندگی و گذر در پیاده‌رو و اماکن عمومی. لذا خشونت، چه کلامی و چه فیزیکی، اثرات خود را به‌جا می‌گذارد.

● نبود «پیوست اجتماعی» در حوزه آسیب‌های اجتماعی در این وضعیت که قطعاً نه یک شبه‌به‌وجود آمده است و نه یک شبهه می‌توان از حجم و گستردگی آن کاست، کمترین اقدام‌ها از سوی متولیان و نهادهای اجتماعی، آسیب‌شناسی و اجرای راهکارهای اجرایی برای کنترل و کاهش خشم است.

وقتی به‌مصادیق و لایه‌های مختلف زندگی اجتماعی افراد نگاه کنیم، این رابطه بین آسیب‌شناسی و اقدامات اجرایی با کاهش خشونت آشکار می‌شود. با وجود این در این زمینه، عزم جدی و اقدام شاخصی را از سوی متولیان امور اجتماعی نمی‌بینیم. این نقد مطرح است که چرا در حوزه آسیب‌های اجتماعی برای افزایش خشونت به دنبال آن، افزایش وقوع نزاع‌ها، آینده‌نگری وجود ندارد؟ اگر قرار است کنترل خشم و آموزش مهارت‌های زندگی را مجموعه‌هایی نظیر آموزش و پرورش، بهزیستی و دیگر نهادهای اجتماعی و فرهنگی در اولویت بگذارند، چرا در خروجی عملکرد این نهادها آثار کنترل خشم و خشونت دیده نمی‌شود؟ اگر بهزیستی متولی کاهش خشونت‌ها در زمینه کودک‌آزاری، همسر آزاری، سالمندآزاری و... هست، یا برنامه‌های اجرایی‌اش مؤثر نبوده یا کافی نبوده است.

در موضوع آموزش مهارت‌های زندگی و پرورش و کنترل خشم، وضعیت آموزش و پرورش از بهزیستی هم به‌مراتب ضعیف‌تر بوده است. در واقع پیوست اجتماعی، خوبی در حوزه آسیب‌های اجتماعی نداریم که وظایف این سازمان‌ها را درست تعریف کند و ناظر اجرا هم باشد. سازمان عریض و طویل آموزش و پرورش همان‌طور که در مصداق «آموزش» با کمبود معلم و مشکلات دیگر مواجه است، در موضوع «پرورش» نیز غفلت کرده است، آن‌هم درست در سنین حساس نوجوانی که شخصیت هر فرد شکل می‌گیرد و تغییر در سنین بالا سخت و چه‌بسا نشدنی است. اینکه کودکی در دهه‌دوازده‌سالگی آرزو کند پلنگ یا شاخ محله شود، احتمالاً دلیلش آن است شخصیت خوب و برتر را از شخصیت منفور یک قلدر و زورگو و عربده‌کش در جامعه تشخیص نمی‌دهد. نمونه دیگر کودکی است که انواع فحش و ناسزا را هر روز به دایره لغاتش اضافه می‌کند تا از هم‌کلاسی‌هایش عقب نماند.

در این میان اگر نهاد متولی آموزش دهنده مهارت‌های زندگی اجتماعی بتواند مؤثر باشد، شاید خیلی از این کودکان، بعدها در جوانی و بزرگ سالی زده‌خورد، خشونت، نزاع، چاق‌کشی و... را جزو افتخاراتشان بشمارند. تا خشونت‌ها، نزاع‌ها، ناسزاگفتن‌ها و درگیری‌ها بیشتر از این برایمان عادی نشده است، کاری کنیم. اول خودمان به‌هم‌رحم کنیم و بعد آرزو کنیم متولیانمان از عنصر بی‌تأثیر بودن و فرورفتن در لاک بی‌توجهی فاصله بگیرند.



«خودمراقبتی»؛ گامی برای تحکیم بنیان خانواده

مراکز بهداشت و مثبت زندگی بهزیستی، آموزش‌هایشان را با این هدف در مناطق مختلف شهر تعریف کرده‌اند



می‌کنیم. از سوی دیگر، این سفیران و داوطلبان سلامت، دستورالعمل‌های وزارتخانه‌ای درباره بیماری‌ها را در اختیار دارند و در حوزه پیشگیری نیز به افراد تحت پوشش کمک می‌کنند. بهزاد همچنین به تشکیل کانون‌های سلامت محله اشاره می‌کند و یادآور می‌شود: این کانون‌ها که مشکلات محله را شناسایی می‌کنند، قرار است در شهرستان‌های گوناگون راه‌اندازی شوند. از پنج مرکز بهداشت مشهد نیز خواسته شده است که با ایجاد یک یادو کانون به این برنامه بپیوندند و تا امروز، هفت کانون در مناطق شهر راه‌اندازی شده‌است. کانون‌ها می‌توانند وضعیت محلات را بررسی و نیازسنجی کنند تا برنامه‌های آموزش خودمراقبتی متناسب با مشکلات هر محله و به‌صورت جزئی‌تر تعریف و اجرا شود. ● آموزش خودمراقبتی به ۴۵۰هزار نفر در مشهد غلامحسین دلبری، معاون امور توسعه پیشگیری اداره‌کل بهزیستی استان،

بسیست و هفتم آبان تا سوم آذر که هفته جهانی خودمراقبتی نامیده شده است، این نکته را یادآوری می‌کند که یکی از راه‌های افزایش سلامت در جامعه، آموزش به اعضای آن است تا برای برخورد با مشکلات جسمی و روحی از ابتدایی‌ترین دانسته‌های سلامت آگاه باشند. در مدل ارتقای سلامت فردمحور، هنگام رویارویی با یک مشکل بهداشتی یا ارتقای سلامت، پنج منبع اصلی شامل خودشخص، دیگر افراد عادی، متخصصان، اطلاعات موجود و محیط در اختیار افراد قرار دارد. مراقبت از خود به این معناست که، شخص به‌طور مستقل از دیگران، از سلامت خودش مراقبت می‌کند.

بهبودسبک زندگی، پیشگیری از بیماری‌ها، کاهش هزینه‌های درمانی فرد در جامعه، استفاده از بخش از منابع و خدمات بهداشتی و ترویج سبک زندگی سالم در خانه و شهر، از دیگر دلایل پرداختن به موضوع آموزش بر پایه خودمراقبتی است. در این راستا با دو مسئول از دو نهاد که به شکل مستقیم با سلامت افراد ارتباط هستند، گفت‌وگومی‌کنیم.

سفیران و داوطلبان سلامت، رابطان آموزش سلامت خانوار بخشی از برنامه‌های مرکز بهداشت استان بر آموزش خودمراقبتی بنا نهاده شده است و متولیان‌ش چند سالی است مسئولیت انتقال مفاهیم سلامت به اعضای خانواده را بر عهده گرفته‌اند. خودمراقبتی فردی در قالب برخی آموزش‌ها در اختیار سفیران سلامت خانوار و داوطلبان سلامت قرار می‌گیرد. فاطمه بهزاد، مسئول مشارکت‌های مردمی معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ابتدا تعریفی از این دو واژه ارائه می‌کند: سفیر سلامت، فردی است که به نمایندگی از یک خانواده انتخاب می‌شود

تا آموزش‌های ما را انتقال بدهد اما هر داوطلب سلامت، بین پنج تأییدکننده خانوار را تحت پوشش دارد، طرح داوطلبان سلامت از سال ۷۳ آغاز شده است.

آموزش‌ها به‌صورت مجازی در شبکه‌های

طرحی به نام «آگاه‌سازی دختران و زنان با تأکید بر خودمراقبتی» از سال گذشته در مشهد و برخی شهرستان‌های استان اجرا شده که بر اساس شیوه‌نامه ابلاغی بوده و اولویت آن، آسیب‌خیز و کم‌برخوردار است

مشکل شغل نداریم تمایل به پشت‌میزنشینی زیاد است

به گفته رئیس پارک علم و فناوری خراسان رضوی، در حوزه اشتغال مشکلی وجود ندارد

جاوید از یک سو آمار تکراری مربوط به بیکاری و از سوی دیگر ورود نیروهای جوان دارای مدرک به جامعه، باید انگیزه‌ای باشد تا اشتغال بیشتر شود اما گفته‌های مسئولان از نکته دیگری حکایت دارد: صاحبان مشاغل و کارآفرینانی که با کمبود شدید نیروی انسانی مواجه هستند.

دکتر مسعود میرزایی شهرآبی، رئیس پارک علم و فناوری استان خراسان، در گفت‌وگو با شهرآرا این گفته‌ها را تأیید می‌کند و می‌گوید: ریشه اصلی مشکل، نبود مهارت در کارجو و تمایل به راحت‌طلبی و پشت‌میزنشینی و داشتن شغل‌های لوکس و بدون زحمت است.

وی توضیح می‌دهد: درباره رفع چالش‌های کمبود سرمایه انسانی متخصص، باید بگویم برخلاف نظر برخی دانش‌آموزان و دانشجویان که به دنبال اشاعه حس ناامیدی از سوی رسانه‌های معاند و برخی شبکه‌های مغرض اجتماعی و حتی افراد منفی‌گرا در دانشگاه‌ها و مدارس ایجاد شده است، در میدان کار و زیست‌بوم فناوری، موقعیت‌های شغلی بسیار

زیادی وجود دارد و ما مشکل اشتغال و نبود شغل نداریم.

وی با اشاره به اینکه این ناپختگی، ناآگاهی و انتظارات تخیلی از فضای کسب و کار و تمایل بی‌هدف به مدرک‌گرایی در کارجویان، تبعاتی در جامعه داشته است. یادآور می‌شود: این نوع نگاه باعث شده است که صنایع به شدت کمبود نیروی کارآمد داشته باشند و شاخص تولید و پویایی در فناوری تحت تأثیر کمبود سرمایه انسانی قرار بگیرد.

به عقیده‌وی، هم‌اکنون کشور در برخی رشته‌ها در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری، مازاد نیرو دارد و نظام آموزشی ما بایستی ریل‌گذاری



جدیدی را در این زمینه تعریف کند. رئیس پارک علم و فناوری استان خراسان همچنین به وضعیت تحصیل دانش‌آموزان دانشش اشاره می‌کند: در حال حاضر، دانش‌آموزان در مدارس از فرصت‌های طلایی حوزه دانش‌بنیان‌ی و فناوری و نوآوری بسیار دورند. چند دهه هزار دانش‌آموز در استان داریم که با مفهوم پارک علم و فناوری و اجزای زیست‌بوم فناوری آشنا نیستند. من برای چندمین مرتبه از آموزش و پرورش و دانشگاه‌های فرهیخته استان می‌خواهم

دکتر میرزایی یادآوری می‌کند: در پارک علم و فناوری استان، برای تحول و ایجاد فرصت‌های مهارت‌آموزی خیز بلندی برداشته، طرح ریزی و برنامه‌ریزی عملیاتی گسترده‌ای کرده‌ایم و پارک باید سکوی تصمیم‌سازی و شنیدن دغدغه‌ها و پاتوق نوجوانان و جوانان که ولی‌نعمتان و وارثان امانت زیست‌بوم فناوری هستند، باشد.

وی شناسایی مشکلات اشتراکی شرکت‌ها در چهل سرفصل و تمرکز زدایی از بازده شرکت خاص با رویکرد حمایت عادلانه و فراگیر مردمی، تغییر رویکرد به سمت نیازهای مغفول استان و حرکت به سوی تأسیس پردیس‌های شش‌گانه، برگزاری رویدادهای هدفمند و سه‌دوره‌تانا (توسعه و ارتقای زیست‌بوم نوآوری استان) با رویکرد جلوگیری از خام‌فروشی، مردمی‌سازی با پاتوق کردن پارک برای دانشجویان از طریق بازدیدهای راهنیان پیشرفت و راه‌اندازی باشگاه دانش‌آموزی همیاران فتاور باربری از فعالیت‌های پارک معرفی می‌کند.

جدیدی را در این زمینه تعریف کند.

رئیس پارک علم و فناوری استان خراسان همچنین به وضعیت تحصیل دانش‌آموزان دانش اشاره می‌کند: در حال حاضر، دانش‌آموزان در مدارس از فرصت‌های طلایی حوزه دانش‌بنیان‌ی و فناوری و نوآوری بسیار دورند. چند دهه هزار دانش‌آموز در استان داریم که با مفهوم پارک علم و فناوری و اجزای زیست‌بوم فناوری آشنا نیستند. من برای چندمین مرتبه از آموزش و پرورش و دانشگاه‌های فرهیخته استان می‌خواهم که مدرسه به مدرسه، این آینده‌سازان و استعدادهای بالقوه را به پارک علم و فناوری بیاورند تا با ظرفیت‌های غفلت‌شده استان که سرشار از مزیت رقابتی و منابع خدادادی

مسعود میرزایی: از آموزش و پرورش و دانشگاه‌های فرهیخته استان می‌خواهم که مدرسه به مدرسه و گروه به گروه، این آینده‌سازان و استعدادهای بالقوه را به پارک علم و فناوری بیاورند تا با ظرفیت‌های استان آشنا شوند

